



نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

۲۰ دی ۱۴۰۰ - ۰۹ ژانویه ۲۰۲۱

اکتبر ۲۸۸

این چه جهنمی است که بر بشریت تحمیل کرده‌اند!

صالح سرداری

صفحه ۳

ترس فروریخته مردم،

جمهوری اسلامی در "کابوس سرنگونی"

ملکه عزتی

صفحه ۵

نگاهی به مهمترین رویدادهای سال ۲۰۲۱

در کردستان

سیوان کریمی

صفحه ۷

استیصال سازمان بدنام زحمتکشان مهتدی

در قبال ترورهای درون سازمانش!

مختار محمدی

صفحه ۱۰

اعتراضات سراسری و خیابانی را گسترش بدهیم!؟

ابراهیم باثمایی

صفحه ۱۲

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت رفیق ایرج فرجاد!

دفتر مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

صفحه ۶

حکم زندان زهرا محمدی قویا محکوم است!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

صفحه ۹

مراسم سالگرد کشته شدن

قاسم سلیمانی در شهر

سلیمانیه

همایون کدازگر

شرکت مقامات بالای حکومت اقلیم در کردستان عراق در مراسم سالگرد قاسم سلیمانی نه اتفاق تازه‌ای است و نه جای تعجب آنچنانی. همین چندماه قبل بود که رهبر اقلیم، نجیروان بارزانی در مراسم تحلیف رئیسی جلاد با افتخار اعلام کرد که "ما بخشی از جمهوری اسلامی هستیم". بخشی از جمهوری اسلامی بودن اگر برای حزب الله لبنان و کتائب اهل حق و شاخه‌های دیگر جنبش اسلام سیاسی ریشه در هم جنبشی بودن آنها با جمهوری اسلامی دارد، برای این حضرات رمز راز بقا و حفظ سلطه و دستگاه لرزان‌شان است. در جه وابستگی شان به جمهوری اسلامی رابطه مستقیم دارد با اوضاع سیاسی منطقه و کردستان عراق و تهدید سرنگون کردنشان از جانب توده‌های معترض متنفر در خود کردستان عراق.

اگر مناسبات اینها با جمهوری اسلامی را در دو دهه گذشته مرور کنیم درمی یابیم بخصوص پس از برنامه عقب نشینی آمریکا از منطقه و نفوذ بیشتر جمهوری اسلامی در تحولات عراق و مهمتر از اینها، رشد اعتراضات در داخل کردستان عراق، حالا دیگر تقریباً آویزان شدن اینها به هر



ادعای جریانات و رهبران کردی دال بر حفاظت از منافع مردم کردستان پوچ و بی‌اساس است. و این آن واقعیتی است که باید خستگی ناپذیر در درون جامعه کردستان تعمیق و گسترش پیدا کند. در هر مناسبتی از قبیل افشای مراسم قاسم سلیمانی باید به ریشه و چرایی همراهی احزاب کردی با جنایتکارترین دولت‌های منطقه پرداخت. باید تاریخ این در یوزگی اسلاف همین جریانات در منطقه را در بیش از نیم قرن گذشته در نوکری حکومت شاهنشاهی ایران و بعث عراق و سوریه و دولت ترکیه مستمرا افشا کرد.

در کارناوال گریه وزاری سران حکومت سلیمانی و اربیل برای قاسم سلیمانی، مردم شرافتمند کردستان عراق نه نقشی دارند و نه منافی. زندگی آنها خود قربانی تباری و بده و بستان این احزاب و معامله‌گری آنها با دولت‌های مرتجع منطقه است. آنها همراه و همدرد مردم کردستان ایران و کارگران و زحمتکشانشان هم سرنوشتی هستند که بوسیله جمهوری اسلامی به فقر و تباهی کشیده شده‌اند. مبارزه و رویارویی میلیونی جامعه ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی می‌تواند نوید بخش دنیایی بهتر برای جامعه کردستان عراق و مردم تمام منطقه باشد. حساب در یوزگی حکومت اقلیم کردستان از حساب مردم عادی و کارگران و زحمتکشانشان کردستان عراق جداست. آنها

بقیه در صفحه ۴

اما امسال افتضاح و کرنش و چابلوسی مقامات حکومت اقلیم کردستان چنان مشمئز کننده بود که صدای احزاب و شخصیت‌های ناسیونالیست و دوست این حضرات را هم در آورد. هر چند در اظهاراتشان جانب احتیاط را رعایت کرده و مستقیماً با دولت کردی مقامات آن درگیر نشده و تنها به تکفیر قاسم سلیمانی اکتفا کرده‌اند، اما اینجا هم ضد کرد بودن قاسم سلیمانی معیار و پایه است اعتراضشان بود. البته فراموش نکرده‌اند که همین دولت کردی چه جنایاتی در حق پناهنده و فعال سیاسی کرد ایرانی و با کمک دولت حاج قاسم مرتکب شده است. و بخصوص حتماً فراموش نکرده‌اند که زندانی سیاسی اعدامی و پناه آور به دامن خاک حکومت کردی، مصطفی سلیمی را سال گذشته همین دارودسته دوباره به طناب دار جمهوری اسلامی سپردند.

امروزه خوشبختانه در تمام کردستان درکشورهای همجوار، دیوار این توهم دروغین که جنبش "کردایه تی" ناسیونالیست‌ها حافظ منافع تمام کردهاست تا اندازه زیادی فرو ریخته است. بخشا بعثت خود آگاهی جامعه و رواج ایده و توقع انسانی و آزادیخواهانه در این جوامع، و بخشا در اثر عملکرد ضد مردمی همین احزاب و دولت مدعی دلسوز مردم کرد. هزاران نمونه از ارجحیت منافع مادی و اقتصادی بر حقوق مردم زحمتکش و سرکوب اعتراضات آنها برای خیلی روشن کرده است که

خس و خاشاکی برای بقای حکومتشان اجتناب ناپذیر است. در این رابطه جمهوری اسلامی اولین و حتی تنها کاندید است. چون و در واقع تاریخاً همیشه "بخشی از جمهوری اسلامی" بوده‌اند. چه آنزمان که در پاگرفتن جمهوری اسلامی علیه احزاب مسلح در کردستان ایران در کنار پاسدار و بسیج می‌جنگیدند، و یا زمانی که جلو دار قشون جمهوری اسلامی در جنگ ایران و عراق بودند.

خلاصه بی‌ثباتی و توخالی بودن حکومتشان بیشتر آنها را در دامان جمهوری اسلامی انداخته است. امروز از هر زمان دیگر بیشتر به جمهوری اسلامی احتیاج دارند. برای همین است که امسال برای تعریف و تمجید از قاسم سلیمانی جلاد، کورس رقابت گذاشته‌اند. برای همین است که عضو دفتر سیاسی اتحادیه میهنی به قاسم سلیمانی لقب چگوارا می‌دهد و استاندار شهر سلیمانیه پیشنهاد می‌کند که روز ترور سلیمانی روز صلح و آشتی در جهان نامگذاری شود. ملا بختیار از رهبران اصلی اتحادیه میهنی که شایعاتی در مورد رئیس جمهور شدن او در محافل مختلف می‌چرخد، ذه‌ره‌ای به این ادعای چابلوسانه خود اعتقاد ندارد که می‌گوید: "قاسم سلیمانی دژ محکم پشتیبان پیشمرگ کرد بوده است." ولی او هم مجبور است به واقعیت زمانه گردن دهد و به نرخ روز نان بخورد.



صالح سرداری

saleh.sardari@gmail.com

این چه جهنمی است که بر بشریت تحمیل کرده‌اند

صالح سرداری

زندگی مردم را در این کشورها، به تباهی و سیاهی کشانده و این مصیبت‌ها را به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی‌شان بدل کرده است.

به مرگ ۱۴ کارگر نگاه کنید که در مسیر رفتن به محل کار، بر اثر بی‌مسئولیتی کارفرما و نبودن امنیت جاده‌ها جان خود را از دست دادند.

به سیل در اربیل کردستان عراق و شهرهای جنوب ایران نگاه کنید، که بر اثر نامسئول بودن حاکمیت جان‌دها تن را گرفته است. اگر جلوی سودجویی و فروش زمین‌ها و محل عبور سیل را می‌گرفتند هیچ کدام از این انسان‌های ستمدیده جان‌شان را از دست نمی‌داندند.

روزانه همه این اتفاقات ناگوار را به ما نشان می‌دهند. بشریت را به قبول این اوضاع عادت داده‌اند. دنیا و جامعه بشری به سادگی از کنار آن رد می‌شود. مردم تنها کاری که می‌کنند تلویزیون‌ها را خاموش تا این عکس‌ها و فیلم‌ها را نبینند. آیا این وضعی را که این سیستم ضدانسانی سرمایه برای سودجویی هر چه بیشتر بر مردمان تحمیل کرده است، اجتناب‌ناپذیر است.

براستی جبهه آزادیخواهی کجاست؟ بشریت متمدن چرا در مقابل این همه فجایع ساکت است؟ بر بشریت امروز،

مردم به تنگ آمده از دست حاکمان ستمگر، علی‌رغم وجود خطرانی که جان آن‌ها را تهدید می‌کند، باز هم دل را به دریا می‌زنند. ظرف دو هفته حداقل چهار قایق را این دریا به کام خود می‌کشد و جان بیش از صد نفر از این انسان‌های نگون بخت را می‌گیرد. غیر از قایقی که در فاصله‌ی بین فرانسه و انگلیس که در آن ۳۱ نفر از آن‌ها جان خود را از دست دادند، بازهم روزهای ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ دسامبر پشت سرهم، باز هم پناهجویان در حالی که از سرنوشت غرق شدگان همسرنوشت‌شان اطلاع داشتند، باز ریسک مرگ و زندگی را قبول کرده و دل به دریا زدند و به کام مرگ فرو رفتند.

کاروان‌های مرگ دریای اژه هنوز متوقف نشده‌اند. باندهای قاچاق انسان با وعده اینکه این قایق با قبلی‌ها فرق دارد، آنها را فریب می‌دهند. حساب کنید این انسان‌های غرق شده چه اندازه تحت فشار قرارداشته‌اند، که داروندار خود را حراج کرده و این راه پر خطر را در پیش می‌گیرند تا شاید آینده‌ای بهتر برای خود و فرزندانشان تأمین کنند که متأسفانه همه‌ی آرزوهایشان در این راه بر باد می‌رود و جان‌شان را هم می‌دهند.

به لبنان و یمن و سوریه و... نگاه کنید. جنگ و ویرانی و آوارگی،

این روزها انسان‌های این کوره‌ی خاکی، مناظری را از صفحه‌ی تلویزیون‌ها و رسانه‌ها مشاهده می‌کنند، که هیچ انسانی فکر نمی‌کرد با توجه به این همه پیشرفت در زمینه‌ی علم و تکنولوژی، شاهد چنین صحنه‌هایی از بربریت و افسارگسیختگی این نظم ضدبشری باشد. دارند این اوضاع را به جوامع بشری می‌قبولانند. انگار این سرنوشت محتوم بشریت امروز است.

نگاه کنید در گوشه‌گوشه‌ی این دنیا که پر از ثروت و سامان است، از زندگی میلیون‌ها انسان فقرو فلاکت می‌بارد. به وضعیت مردم افغانستان نگاه کنید که چگونه گرسنگی را بر آن‌ها تحمیل کرده‌اند، زنان آن جامعه را با ارتجاعی‌ترین قوانین ۱۴۰۰ سال قبل به بند کشیده‌اند، کشتن زنان را در روز روشن در خیابان‌ها در انظار جامعه‌ی جهانی به پدیده‌ای معمول تبدیل کرده‌اند. هزاران نفر از آن‌ها مجبور به مهاجرت شده‌اند و خیلی از آن‌ها هم در این راه جان باختند، همانند آن مادری که به خاطر نجات دو فرزندش در مسیر کوهستان‌های پوشیده از برف مرز ایران و ترکیه و در حالی که جوراب‌های خود را دستکش فرزندانش داده کرده بود، جان باخت.

به دریای اژه نگاه کنید که چطور

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی

مراسم سالگرد قاسم...

خود درگیر رویارویی با فساد و چپاول حکومت احزاب و متحقق کردن حقوق بدیبهی خود هستند. حفظ همسرنوشتی مردم زحمتکش در کردستان ایران و عراق علیه تباری مافیای در قدرت با جمهوری اسلامی کار کمونیستها و صف آزادیخواه و برابری طلب در هر دو بخش کردستان است.

همایون گدازگر

۲۰ دی ۱۴۰۰

۱۰ ژانویه ۲۰۲۲

دادن اعتراض و مبارزه علیه وضع موجود، نظاره گر و کم تاثیرند. عادت‌مان داده‌اند با حسرت اوضاع را بدرقه کنیم و تماشاچی باشیم. مشغول مرزبندی با همدیگر و حدادی کردن تئوری‌هایمان باشیم. جنبش‌ها و جریان‌ها دیگر دارند خود را برای تحمیل خود بر جامعه‌ی ایران برنامه‌ریزی و سازماندهی می‌کنند. در این اوضاع پرتحول جامعه ایران آن طوری که می‌بایست کمونیست‌ها در سازمان دادن طبقه‌ی کارگر نقش ایفا کنند و نیروی زیادی را حول برنامه و سیاست‌های کمونیستی خود متحد و متشکل نمایند، عمل نمی‌کنند و مشغله‌های کوچک و حاشیه‌ای و سکتاریسم دنیای آنها را تشکیل داده و نتوانسته‌اند وظایف خود را انجام دهد.

آیا کمونیست‌ها به این وظیفه کمونیستی خود عمل خواهند کرد؟ یا کماکان در دام کارهای خرد و ریز و مشغله‌های تشکیلاتی و سکتاریستی همچنان گرفتار خواهند ماند؟ سوالی که هر حزب و نهاد و شخصیت کمونیستی باید در مقابل خود بگذارد.

صالح سرداری

۸ ژانویه ۲۰۲۲

بر طبقه‌ی کارگر، بر آزادی‌خواهان چه رفته است که در مقابل چشمانش این همه جنایت اتفاق می‌افتد و مانند سابق که با حضور اعتراضی‌اش، شهرهای دنیا را به لرزه درمی‌آورد، حضور ندارد. در گذشته هر زمان در گوشه‌ای از دنیا جنگی به راه می‌افتاد، ققرو فلاکتی در این حجم دیده می‌شد، مردم متمدن و آزادیخواه، در مقیاس میلیونی به خیابان می‌آمدند و اعتراض می‌کردند. رسانه‌ها و میدیا به درجاتی اوضاع را منعکس می‌کردند و به آن حساس بودند. امروز در نبود اعتراض انسان‌های آزادی‌خواه در میدان، میدیای نو کرسفت، خود به توجیه‌گر این اوضاع تبدیل شده و ابدی بودن آن را جار می‌زنند.

در چنین اوضاعی، کمونیست‌ها و جنبش‌های پیشرو و اعتراضی کجا هستند؟ بنا به تعریف کمونیست‌ها می‌بایستی در مقابل همه این جنایت فعال باشند و اعتراضات را سازماندهی کنند، کجای این معادله قرار گرفته‌اند.

در ایران هم طبقه‌ی کارگر و هم مردم به تنگ آمده از دست ستم جمهوری اسلامی در طی سال‌های گذشته تسلیم این وضع نشده و علیرغم تمام سرکوب، فشار و ققر و مشکلات معیشتی که به آن‌ها تحمیل کرده‌اند با اعتراض و مبارزه‌شان روزانه امید را باز کرده و در جدالی بر سر مرگ و زندگی با رژیم به سر می‌برند.

کمونیست‌ها علیرغم تلاش‌های اندکی، به جای دست بکار شدن برای سازمان

ترس فروریخته مردم، جمهوری اسلامی در "کابوس سرنگونی"

ملکه عزتی



تغذیه روبرو هستند و عده‌ای هم با مرگ دست و پنجه نرم میکنند. سیاستهای تهدید آمیز اقتصادی، دعوت به قناعت و عدم اصراف در سفره از قبل خالی در حالی است که این جنایتکاران هر روز فربه تر شده و به میزان ثروت و سرمایه شان اضافه میشود.

دخالت در زندگی شخصی و مسایل خصوصی شهروندان نیز به طرز فجیعی و بیشتر از هر زمانی روبه افزایش است. تنگ کردن عرصه بر زنان هر روز گسترده تر میشود. دولت و سران ارگانهای سرکوب هر روزه با تهدیدی جدید جامعه را مورد خطاب قرار میدهند و با اخطار و هشدار شهروندان، مردم محروم و خصوصا زنان را تهدید میکنند. از تبعیدیان و مهاجران در خارج کشور هم غافل نیستند و هر روز با تهدید و تمهیدی تازه قصد به دام انداختن مخالفین و مهاجرینی را دارند که ناچار به ترك خانه و زندگیشان شده‌اند. يك روز سامانه اینترنتی برایشان درست میکنند يك روز میگویند برگردید اگر مشکلی هم باشد حل میشود و يك روز از سرمایه گذاری ایرانیان خارج از کشور داد سخن میدهند.

در این میان زنان اما بیشتر از همیشه در تیررس تهدیدات و خشونت کلامی این دایناسورها بوده‌اند. یکی از سران جانی این رژیم مرگ و اعدام موحدی کرمانی میگوید اگر انقلاب و اسلام ضربه‌ای بخورد از جانب زنان است! گله‌های طلاب حوضه جهبلیه هم بیانیه و طومار مینویسند و از زنان هنرپیشه

که تصور آن هم سخت است. بعد از گورخوابی، بام خوابی و کارتن خوابی امروز در تهران با پدیده اتوبوس خوابی روبرو هستیم. مردمان محرومی که برای چند ساعت خوابیدن پولی در حدود ۵۰ هزار تومان میپردازند و در این فاصله چند ساعت چندین بار هم باید بیدار شوند. این در حالی است که مهدی چمران رییس شورای شهر تهران با وقاحت تمام میگوید من به این مسایل حاشیه‌ای نمیپردازم و در ادامه هم میگوید ما برای اتوبوس خوابی پولی از مردم نمیگیریم تقصیر ما نیست آنها خوابشان میگیرد! این دهان متفعن را با چه چیزی باید بست؟

قیمت کالاهای اساسی مورد نیاز مردم ساعتی افزایش پیدا می‌کند و مردم محروم و دردمند از مصرف ابتدایی ترین مواد غذایی محروم مانده‌اند. قیمت يك شانه تخم مرغ ۴۳ هزار تومان اعلام شده که عملاً بسیار بیشتر از این قیمت به فروش میرسد. گوشت هم رویایی است مختص از ما بهترینان است و راهی به مناطق فقیر نشین و زندگی‌های زیر خط فقر باز نکرده. خط فقر رسمی در ایران علی العموم بالای شانزده میلیون و در شهرهای بزرگتر بیشتر است. یکی از پیامدهای این شرایط اینست که اکثریت عظیمی با سو

همچنانکه قابل انتظار بود، سر کار آمدن دولت رئیسی آدمکش و قول و قرارهای پوچ و بی پایه در رابطه با گشایش اقتصادی و بهبود شرایط زندگی مردم و ساختن هزاران مسکن در عرض يك سال نه تنها به وقوع نپیوست بلکه امروز به وضوح میبینیم مردم هر روز با پیامدهای فلاکتبار بیشتری که ناشی از سیاستهای این دولت و رئیس جانی آن روبرو میشوند. فقر و گرانی سرسام‌آور در دولت‌های قبلی امروز به مراتب بیشتر و گسترده‌تر شده و معیشت مردم در وضعیت بسیار وخیم تری قرار دارد. شدت و وسعت سرکوب، خشونت و کشتار بی سابقه است. تعرض به فعالین سیاسی و چهره‌های منتقد رژیم و فعالین کارگری و دانشجویی بشکل بسیار بی سابقه‌ای در جریان است. در کردستان در چندماه گذشته بیش از ۲۰ نفر از فعالین سیاسی و اجتماعی بازداشت شده و تعدادی هم ربوده شده‌اند و هیچ خبر موثقی از آنان در دسترس نیست. در شهرهای دیگر هم بازداشت‌ها و احضارها روزانه در جریان است.

زندگی روزانه مردم هم حکایت فلاکت ناشی از يك نظام طبقاتی است که چنان عریان و آشکار مردم محروم را در منگنه فقر و بیخانمانی قرار داده

شکایت میکنند که موجب تحریک آنها شده و باعث سستی ایمانشان. محکوم کردن زنان به ازدواج و فرزندآوری و ارسال این اراجیف به نام مواد ولایحه قانونی به مجلس و تصویب آن از موارد بارز فشار بر زنان و تضعیف حقوق انسانی و حق اختیار آنان بر بدنشان است. جمهوری اسلامی در میدان جنگ علیه زنان چهار نعل می‌تازد.

در جبهه مقابل اما مردم معترض و متنفر از این حکومت آدمکش هم ساکت نبوده‌اند. آنها هم عرصه را بر سران جنایتکار و نزدیکان این خیل دزد و جانی تنگ کرده‌اند. از کشیدن عمامه آخوند و لگدمال کردن آن تا اعتراضات بردوام کارگرانی که روزانه استثمار میشوند و سودآوری سرمایه را تامین میکنند اما خودشان از هر نعمتی محرومند، از اعتراضات و پایداری معلمین و بازنشستگان که با شجاعتی بینظیر علیه نظام پوسیده و خرافی آموزش، علیه آموزش پولی و خصوصی و برای حقوق اولیه خود و دانش آموزان ماهیاست در میدان هستند تا زنانی که در میدان و عرصه‌های مختلف علیه قوانین سرکوبگرانه حکومت صف بسته‌اند همه و همه تلاش برای خنثی کردن و تقابل با سیاستهای بغایت ضد کارگری و ضد انسانی دولت و حکومتی است که برای حفظ بقای خویش کمر به نابودی جامعه گرفته. صدای مادران شجاع آبان و خاوران و خانواده‌های زندانیان سیاسی و هواپیمای اوکرایینی فریادی است بر سر سرکوب

و جنایت و خشونت عریانی که حکومت اسلامی بشکل سازمانیافته علیه مردم محروم اعمال میکند. همه شواهد نشان می‌دهد سران جانی جمهوری اسلامی کابوس سرنگونی و فروپاشی حکومت را هر روز بیشتر و بیشتر احساس میکنند. می‌بینند ترس اولیه مردم از بین رفته است. واهمه دستگیری و تعقیب و بازداشت هم دیگر به کمترین حد خود رسیده تا جاییکه بعد از قتل بکتاش آبتین در بند ۸ زندان اوین زندانیان بدون واهمه شعار مرگ بر دیکتاتور سر میدهند. این روند نمایانگر و نوید بخش يك چیز است جمهوری اسلامی برای مردم محروم و معترض جامعه هیولای سهمگین دهه شصت و کشتار وحشیانه آن سالها نیست. میشود رودررو با این سیستم سرکوبگر درگیر شد و آن را وادار به عقب نشینی کرد. میشود زندان و غل و زنجیرش را به سخره گرفت و سپاه و بسیجی لپن و مزدورش را با هورا کشیدن از میدان بدر برد، کاری که جمعی از کشاورزان معترض و زحمتکش اصفهان و معلمین در شیراز و شهرهای دیگر کردند. امروز این رژیم است که برای بقای خود مجبور به دفاع شده نه مردم زحمتکش و کارگر. امروز این حاکمیت با معضلات گرهی و اساسی روبرو است که دیگر حل مشکل گرانی و تورم و برآورده کردن نیازهای مبرم کارگران و زحمتکشان هم کمکی به آرام کردن اوضاع متشنج جامعه نمیکند. استیصال از هر طرف دامن حکومت اسلامی و دولت رئیسی جانی را گرفته. این رژیم رفتنی است

چرا که مردم دیگر واهمه‌ای از سرکوب و شکنجه ندارند. امروز یا فردا بدست مردم محروم و ستم‌دیده، این رژیم هار و درنده از اریکه قدرت به زیر کشیده میشود این حکم کسانی است که ۳۰ روز در ماه و ۱۲ ماه در سال نیروی کارشان را به ثمن بخش می‌فروشد و در نهایت مایحتاج روزانه را نسیه می‌خرند تا صاحبان مفتخور سرمایه هزینه يك وعده غذایشان معادل حقوق يك ماه همان کارگران باشد.

ملکه عزتی ۹ ژانویه ۲۰۲۲

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت رفیق ایرج فرجاد!

با تأسف فراوان اطلاع یافتیم که امروز ۲۸ دسامبر ۲۰۲۱، رفیق ایرج فرجاد کادر سرشناس و قدیمی حزب کمونیست کارگری ایران و از چهره‌های محبوب و سرشناس شهر سنج در انقلاب ۱۳۵۷ که از مدتی پیش به بیماری کووید ۱۹ مبتلا شده بود، در بیمارستانی در شهر کلن آلمان درگذشت.

ایرج فرجاد چهره‌ای محبوب، صمیمی، مهربان و خوش طبع بود و زندگی‌اش را وقف مبارزه برای تحقق آرمانهایش کرد. ما درگذشت رفیق ایرج فرجاد را به اعضای خانواده و بستگان، همسنگران و رفقای سالهای طولانی مبارزه سوسیالیستی و رفقایش در حزب کمونیست کارگری ایران صمیمانه تسلیت می‌گوییم. یاد ایرج عزیز گرامی باد!

دفتر مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

- حکمتیست

۲۸ دسامبر ۲۰۲۱



نگاهی به مهمترین رویدادهای سال ۲۰۲۱ در کردستان

سیوان کریمی

بسیار ناامید کننده بود. هرچند برای اینکه از قافله عقب نمانند پیامهای تبریک خود را یکی پس از دیگری ارسال کردند. مشخص است که پادویی کارکنان درجه چندم کاخ سفید و کنگره، دوباره به میز این احزاب باز می‌گردد.

تحولات منطقه‌ای

بیشترین تاثیر تحولات منطقه‌ای بر کردستان ایران، مربوط به تحولات و اتفاقات کردستان عراق است. کردستان عراقی که روزی خاستگاه ناسیونالیسم کردستان ایران بود و به قبله آمال آنها تبدیل شده بود، حالا جغرافیایی است که اگرچه روی کاغذ و از لحاظ حقوق بین‌الملل جزو کشور عراق است، اما از لحاظ سیاسی، اقتصادی و بعضاً فرهنگی به حیات خلوت رژیم اسلامی تبدیل شده است. میدان دادن به احزاب اسلامی و نیروهای مرتجع در کردستان ایران و عراق از مهمترین مشخصه‌های سال ۲۰۲۱ بود. هنوز یک ماه از آغاز سال ۲۰۲۱ نگذشته بود که رژیم اسلامی با همکاری احزاب و نیروهای مذهبی و مرتجع در حلبچه اقدام به محجبه کردن ۱۳۵۷ دختر بچه کرد. اقدامی که بار سیاسی آن بر بار ایدئولوژیک

کوی و برزن را در سراسر دنیا گرفت. کردستان هم مستثنی نبود. مهمترین مساله در دوران این همه‌گیری، که باز هم دو سال پس از شروع آن و بیش از یک سال از آغاز واکسیناسیون ادامه دارد، بی‌توجهی رژیم اسلامی به سلامت مردم است. آمارهای منتشر شده در سال ۲۰۲۱ نشان می‌دهد که هم آمار واکسیناسیون در حد پایینی قرار دارد و هم افزایش روزانه مبتلایان روند صعودی در بر گرفته است. مهمترین عوامل بوجود آمدن این وضعیت عبارتند از ممنوعیت واردات واکسن توسط خامنه‌ای که دوباره در آغاز سال ۲۰۲۲ به مرحله اجرا گذاشته شد، عدم پیشبرد سیاستهای قرنطینه‌ای، عدم تعطیلی و مهمتر از همه وضعیت معیشت مردم که تامین حداقل‌های زندگی را به آرزو تبدیل کرده است.

انتخابات آمریکا:

ژانویه ۲۰۲۱ مصادف با سرکارآمدن جو بایدن در راس هرم سیاست در آمریکا بود. این واقعه اگرچه تاثیر مستقیمی بر زندگی و معیشت مردم در کردستان نداشت، اما احزاب ناسیونالیستی که سودای نشستن بر لوله‌ی تانکهای آمریکایی و ناتو را سالها در فکر می‌پروراندند و برای آن در حال خلق "قهرمانی"ها هستند،

سال ۲۰۲۱ با همه جوانب آن به پایان رسید. سالی که در کردستان هم با اتفاقات و تحولاتی همراه بود. برخی از این موارد بعد جهانی داشته و کردستان هم از این جهت بی‌تاثیر نبوده است. بیماری همه‌گیر کرونا مهمترین فاکتور و اتفاق جهانی بود. در کنار آن، تحولاتی در سطح منطقه از جمله حمله رژیم اسلامی به مقررات احزاب اپوزیسیون مستقر در کردستان عراق و بمباران مناطق مرزی توسط دولت ترکیه اتفاق افتادند. در سطح داخلی هم در کنار دستگیری فعالین کارگری و اجتماعی در سطح ایران، در کردستان هم دستگیریهای صورت گرفت. و نهایتاً در بعدی که بتوان آن را فقط در کردستان دید، تقابل سلفی‌ها با مردم آزادیخواه بود. این نوشته سعی می‌کند تا در این چهار سطح موضوعات و تحولات سال گذشته را مرور کند.

تحولات و فاکتورهای موثر در سطح جهانی

کرونا:

مساله سلامت انسانها بیش از هر زمان دیگری در دوران همه‌گیری کرونا مورد توجه قرار گرفت. رشد سریع و کشنده این ویروس دامن هر شهر و

و تبلیغش می‌چربید. این اقدامات رژیم اسلامی در کردستان عراق در همکاری با احزاب ملی مذهبی پارلمانی، چه در قدرت و چه در اپوزیسیون، و میدان دادن به اسلامی‌ها در کردستان ایران هم، منجر به سربرآوردن و ابراز وجود نیروهای سلفی در کردستان ایران شد. هرچند که در مقابل این ابراز وجود، مردم آزادیخواه هم آستین بالا زدند که در پایین به آن اشاره می‌کنم. جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۱ به مقررات احزاب اپوزیسیون در کردستان عراق هم حملاتی را صورت داد. علاوه بر این ترس ترور و خشونت علیه نیروهای مستقر در اردوگاه‌های این احزاب، قدمتی به درازای عمر جمهوری اسلامی دارد، اما کماکان به عنوان اهرمی از آن استفاده می‌شود. اهرمی که چند سال قبل با حمله به مقر این احزاب، از حالت تهدید به عمل درآمد. احزاب ناسیونالیست در این سال هم به مانند تاریخ گذشته خود کماکان به دنبال "گفتگو" با رژیم اسلامی بودند. خالد عزیزی از رهبران یکی از این احزاب به نشست با رژیم اسلامی و سپاه پاسداران در سه مورد در سال ۲۰۲۱ اشاره کرد. چنین سیاستهایی بیشتر ماهیت این احزاب را برای مردم کردستان ایران روشن تر کرد.

تحولات داخلی ایران:

مضحکه انتخابات

رژیم اسلامی حساب ویژه‌ای را برای انتصاب جلال خود، رئیسی، به عنوان رئیس دولت باز کرده بود. قبل از مضحکه انتخابات، با افشاگریهایی که صورت گرفت، چهره کریه این جلال برای جامعه ایران بیشتر از هر زمان دیگری رو شد. هزینه‌های میلیاردری برای تبلیغات در کنار پشتیبانی همه جانبه از او از طرف تمام نیروهای سرکوبگر رژیم، بهم خوردن معادله اصلاح طلب و اصول‌گرا در دو سال قبل از آن و اعلام پایان ماجرا از سوی دانشجویان و سپس طنین انداز شدن این شعار در سایر اعتراضات مردم، به جمهوری اسلامی نشان می‌داد که بی‌روفتترین مضحکه را در پیش روی خود دارند. همین اتفاق هم افتاد. در کردستان حتی وضعیت برای رژیم اسلامی بدتر بود. سابقه مبارزه علیه ارتجاع اسلامی و "نه" به جمهوری اسلامی، کماکان در آن جامعه جولان می‌دهد. همین امر در کنار افشای خود رئیسی به عنوان عضو هیئت مرگ تابستان ۶۰ و ۶۷ و زنده شدن خاطرات کشتار چپ‌ها و کمونیستها در آن دوران، تنور مضحکه انتخابات را برای رژیم در کردستان سرد و سردتر کرد.

وضعیت اقتصادی و فلاکت بار مردم در ایران باعث اوج گرفتن اعتراضات سراسری در بخشهای مختلف شده است. در سال ۲۰۲۱ شاهد اعتراضات گسترده و سراسری کارگران، معلمان و بازنشستگان بودیم. جامعه کردستان به درست و در کنار این اعتراضات

قرار گرفت. یکی از اعتراضاتی که می‌توان به جرات گفت در این دوره به فاکتور مهمی در اعتراضات سراسری تبدیل شده و سایر جنبشها و اعتراضات را هم به تاثیر و تاسی از خود وا داشته است، اعتراضات سراسری معلمان بود. در تمام اعتراضات و تجمعات معلمان که به صورت سراسری فراخوان داده می‌شد، کردستان هم به صورت تاثیر گذاری در آن شرکت داشت. خصیصه مهمی که بیشتر در این اعتراضات برجسته شد، همگامی دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها با این اعتراضات بود. گل سرسبد این اعتراضات را می‌توان به حمایت دانش‌آموزان و همگامی آنها تا رسیدن به خواسته‌های برحق معلمان در مریوان دید. در سال گذشته رژیم اسلامی و دستگاه سرکوب آن، هر روز به دستگیری فعالین عرصه‌های مختلف اجتماعی دست می‌زد. نمونه برجسته این اتفاق، دستگیری بیش از صد نفر در کمتر از یک هفته در شهرهای کردستان بود. اتفاقی که وسعت این دستگیریها نشان می‌دهد این بود که جامعه ایران و بویژه کردستان، دیگر تسلیم نیروی رعب و وحشت رژیم اسلامی نمی‌شود. هیچ انتخاب دیگری برای مردم به‌جز سرنگونی رژیم اسلامی باقی نمانده است. گسترش فقر و فلاکت در جامعه، در کنار فرهنگ سنتی حاکم، که همان فرهنگ طبقه حاکم است، باعث تنگتر شدن حلقه فشار بر زنان در جامعه شده است. در سال گذشته آمار زیادی

حکم زندان زهرا محمدی قویا محکوم است!

تیرماه سال گذشته زهرا محمدی مدیر مسئول انجمن نوژین و فعال اجتماعی از طرف بیدادگاه جمهوری اسلامی به ده سال زندان محکوم شد.

بدنبال اعتراض به حکم صادره، در دادگاه تجدید نظر ۱۰ سال حبس به ۵ سال حکم تعزیری تقلیل پیدا کرد. پرونده سازی و صدور احکام سنگین و بی پایه برای فعالین اجتماعی و زندانیان سیاسی از شگردهای شناخته شده در بیدادگاههای جمهوری است. پرونده زهرا محمدی هم از این قاعده مستثنی نیست.

زهرا محمدی امروز برای طی کردن دوران محکومیت ۵ ساله خود راهی زندان سنندج شد.

۵ سال حبس به اتهام فعالیت فرهنگی و اجتماعی نشان کریه ترین چهره جمهوری اسلامی است! صدور و اجرای این حکم در راستای زهر چشم گرفتن از جامعه ایی است که بسان آتش زیرخاکستر است. باید در مقابل برگشت به دهه شصت و به خاک و خون کشیدن جامعه ایستاد و توان چنین مانورهایی را از جمهوری اسلامی گرفت.

کمیته کردستان حزب حکمتیست پرونده سازی و حکم زندان زهرا محمدی را قویا محکوم میکند. لغو این حکم را باید به عاملین صدور آن تحمیل کرد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری
- حکمتیست

۸ ژانویه ۲۰۲۲

کولبران را می کشد، بارهایشان را می گیرد و گلوله را به جای نان به سفره ها روانه می کند. در همه ی این سالها، وضعیت کولبران بر همین پاشنه چرخیده است.

در کنار این وضعیت، سربر آوردن دوباره سلفی ها، اینبار نه با "شعار و ارشاد" بلکه با قمه و قداره، کارد را به استخوان مردم رسانده است. در مریوان داستان اما این بار نه به نفع رژیم اسلامی بود و نه به نفع سلفی ها سر به آخور رژیم. سرک کشیدن سلفی ها به زندگی خصوصی مردم، با مقاومت و اعتراض و نهایتاً مقابله با این طیف از مرتجعین انجامید. تقابل با سلفی ها، تقابل با جمهوری اسلامی بود که میدان را برای رشد چنین نیروهایی باز کرده است. اما خود این جریانات مرتجع هم آگاهند که نمی توانند جامعه را به سمت ارتجاع سوق دهند. تمام تلاش خود را بکار بستند، از شهرهای دیگر نیرو جمع کردند، نیروهای سرکوب رژیم را پشت سر خود داشتند و به مرتجعین محلی از جمله اما جمعه شهر هم متصل شدند، اما این مردم آزادیخواه بودند، زنان چوب بدست بودند که در این تقابل حرف خود را به کرسی نشاندهند. این اتفاق در مریوان، شکستی برای مرتجعین سلفی در کردستان بود.

سیوان کریمی

ژانویه ۲۰۲۲

در مورد خودکشی، کشتن و خشونت علیه زنان در ایران منتشر شد. متأسفانه در کردستان این آمار بالا بود و تعداد زیادی از زنان و دختران به واسطه این مسئله جان خود را از دست دادند. نگاه رژیم اسلامی به زن، چه از زاویه دین و چه از زاویه فرهنگ، در این چهار دهه از عمر رژیم باعث تشدید خشونت علیه زنان شده است. هر چند در کنار این آمار، شاهد اعتراضاتی به وضعیت زنان در کردستان بودیم ولی اگر جانب انصاف را بگیریم، گستردگی خشونت علیه زنان با اعتراضات علیه این وضع همخوانی نداشته است.

تحولات درون کردستان

در سال گذشته دو اتفاق بیشتر از هر چیز در کردستان ایران برجسته بود که می توان آنرا مختص به کردستان دانست. کشتار روزانه کولبران یکی از این اتفاقات به غایت تلخ در سال گذشته بود. وضعیت اقتصادی نابهنجار جامعه ایران و بویژه کردستان، بیشتر مردم را به سوی کولبری سوق داده است. این شاید در دسترس ترین امکان برای امرار معاش باشد. رژیم اسلامی حتی این را هم تاب نمی آورد. روزانه شاهد انواع اجحاف علیه این مردم هستیم. کشتار کولبران که خبرهای آن به صورت گاهها روزانه منتشر می شود، نشان می دهد که رژیم تا دندان مسلح جمهوری اسلامی، حتی تحمل تکه نانی برای این سفره را ندارد.



استیصال سازمان بدنام زحمتکشان مهدی در قبال ترورهای درون سازمانش!

مختار محمدی

کرده است. دوربین‌های مدار بسته و تحقیق پلیس و دادگاه عربت کشتن آپو حسینی را تایید کرده است و حکم جلب دو نفر از سران این جریان را داده است. جامعه به همت کمونیست‌ها و شخصیت‌های آزادیخواه و خانواده‌های جان باختگان، این سازمان را تحت فشار قرار داده است و آنها در اوج ضعف و زبونی ناچار شده اند که جوابی وارونه را سرهم بندی کنند. در ویدئو کلیپ مصاحبه با فردی به نام عبدالله آذربار که گویا از اعضای دفتر سیاسی شان است، آذر بار در اوج بیشرمی اتهاماتی را علیه کمونیسم کارگری و حزب حکمتیست پرت میکند که بطور واقعی شایسته سازمان مطبوعشان است. مامورش کرده اند که پشت دوربین به اصطلاح مصاحبه بنشینند و یک مشت ادعاهای پوچ و بی پایه در مورد دوره جدایی سالم و متمدنانه اکثریت نود درصدی رهبری و کادرهای حزب کمونیست ایران و کومه له وقت متشکل در فراکسیون کمونیسم کارگری به رهبری منصور حکمت را برای هزارمین بار گفته شده و بارها پاسخ گرفته را تکرار کند. خودشان میدانند این شاتناژها بی پایه است. سند مکتوب توافقنامه چگونگی جدایی سالم و اصولی امضا شده توسط منصور

بدنام نخواهد کرد و آنها را در میان مردم کردستان بیشتر رسوا خواهد کرد. پرونده سازمان زحمتکشان به رهبری عبدالله مهدی از این سیاه تر است که بتوانند با ترور شخصیت و دروغ و پرونده سازی جعلی برای مخالفین سیاسی شان اعتباری برای خود کسب کنند. فلسفه درست شدن این جریان ناسالم بر اساس نفرت از گذشته خود و قومی گری و ضدیت با هر نوع آرمان خواهی کمونیستی و سوسیالیستی بود. دو هفته کنگره یک سازمان را به گروگان گرفتند تا ۵۰ در صد نمایندگان کنگره به آنها داده شود. وقتی به نتیجه نرسید ناچار شدند صفشان را جدا کنند. بعد از تشکیل سازمانشان دهها سند مستند از عملکرد این سازمان هست که گذاشتن اسم سازمان سیاسی روی آنها را زیر سوال می برد. طرح حمله به اردوگاه کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران و زدن مقرات آنها با آرپی جی. طرح ترور رهبران حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست که توسط کادرهای وقت این جریان افشا شد. ترور مخالفین صفوف خود که این سیاه ترین نوع ترور است. طی این مدت دهها پیشمرگ این سازمان سر به نیست شده و این جریان توطئه گر علت مرگ آنها را خودکشی اعلام

بعد از افشاگری مستند کمونیست‌ها و انسانهای آزادیخواه و حزب ما از سیاستها و به ویژه عملکرد تروریستی دوره اخیر سازمان توطئه گر عبدالله مهدی، نهایتا ناچار شدند که ظاهراً پاسخی را سرهم بندی کنند. اما این به اصطلاح جواب بطور واقعی کوچکترین اشاره‌ای به مدارک و ادعاهای مستدل ارائه شده در قبال ترورهای متعدد درون سازمانشان ندارد. کاملاً روشن است که اینها از طرف جامعه و کمونیست‌ها و انسان‌های آزادیخواه تحت فشار هستند و ناچار شده اند در یک اطلاعیه رسمی و یک ویدئو کلیپ به شاتناژ و با روش فرار به جلو، به ترور شخصیت و دروغبافی در مورد مخالفین سیاسی شان و بیش از همه کمونیسم کارگری و حزب حکمتیست روی بیاورند. نه در اطلاعیه کمیته مرکزی و نه در ویدئو کلیپی که منتشر کرده اند در مورد اسناد مستند افشاگری از اقدامات تروریستی و سر به نیست کردن چند تن از پیشمرگان خود در اردوگاه نظامی شان هیچ توضیحی نداده اند. با این شیوه پاسخ دادنهای مستأصلانه به خیال خود میخواهند ذهن جامعه را به مسائل دیگر معطوف کنند. اما این شگرد هیچ کمکی به انزوای این جریان

حکمت و ابراهیم علیزاده در جریان جدایی کمونیسم کارگری موجود است و افشاگر این نوع پروپاگانداست. کسی که در خانه شیشه‌ای نشسته سنگ پراکنی نمی‌کند. آذربار مادام که در جریان مسئله جعبه سیاه جناب عبدالله مهتدی در درون کومله وقت است، باید تا ابد سرش را پایین بیندازد نه اینکه به چنین پروپاگانندی دست بزند. آذر بار ما را متهم می‌کند که گویا به گذشته خود پشت کردیم. اتفاقاً بر عکس جنگ ما با سازمان مطبوعش سر افتخارات کمونیستی گذشته است که ما از روز اول و هنوز هم به آن افتخار می‌کنیم، که در ساختن آن تاریخ کمونیست‌ها و آزادیخواهان و برابری طلبان نقش اساسی داشتیم. کومله با هر درکی که از مارکسیسم داشت خودش را یک جریان کمونیستی می‌دانست. رهبران وقت کومله به کمونیست بودن خود کوچکترین شکی نداشتند و این را بارها در جامعه و جلسات و مرجع‌های حزبی گفته‌اند. این تاریخ دفاع از آزادی خواهی و برابری طلبی بود. دفاع از انسانیت و نقد قوم‌پرستی و فرهنگ ارتجاعی بود. عبدالله مهتدی سازمانش را با نفرت از این تاریخ درست کرد. و با زبان خودش در تلویزیون بی بی سی فارسی با صراحت گفت نه کمونیست است نه چپ و نه سوسیالیست. کدام تاریخ کومله اینطوری بوده است که عبدالله مهتدی می‌گوید؟ به کدام تاریخ کومله قبل از تشکیل سازمان مطبوعتان افتخار می‌کنید؟ شما به

هیچ تاریخی از حیات سیاسی کومله تعلق ندارید. کجا کومله از فدرالیسم دفاع میکرد؟ افتخار شما به ناسیونالیست بودن‌تان به کدام تاریخ کومله مربوط است؟ اتحاد و همکاری نزدیک با احزاب کردستانی در کجای تاریخ کومله بود؟ تقدیر از قاسملو طراح جنگ علیه کومله مربوط به چه تاریخی از حیات سیاسی کومله است؟ واقعیت این است که به تاریخ گذشته کومله هیچ ربطی ندارید. آذر بار مدعی است که گویا مخالفین این جریان از این نگران هستند که دو سازمان زحمتکششان به رهبری عبدالله مهتدی و عمر ایلخانی زاده متحد می‌شوند و به همین خاطر علیه آنها افشاگری شده است. این دو جریان از لحاظ برنامه‌ای و سیاست کوچکترین تفاوتی با هم ندارند. دعوا و جدایی آنها به هیچ وجه سیاسی نبود بلکه سر اموال و دارایی بود. هنوز اسناد مربوط به کشمکشهای مالی آسوسات و جنگ و چاقو کشی اینها علیه همدیگر در اردوگاه محل سکونتشان در سایت‌ها و دنیای مجازی موجود است. به خاطر جلوگیری از خونریزی بیشتر پلیس سلیمانیه همه آنها را خلع سلاح کرد. به نظر من نه اطلاعیه کمیته مرکزی، نه مصاحبه عبدالله آذربار و نه اتحاد این دو جریان کمکی به تخفیف دادن ماهیت رسوا و عملکرد تروییستی این جریان نمیکند. مهتدی و آذربارها به خوبی میدانند، شانناژ و پروپاگاندا پوچ علیه کمونیسم کارگری و حزب حکمتیست پاسخ پروننده سنگین

مختار محمدی

۶ ژانویه ۲۰۲۲

دبیر شورای عالی امنیت ملی، مجلسی‌ها و سران و فرماندهان نیروهای سرکوبگر و نیروهای امنیتی و اطلاعاتی، به خاک و خون کشیده شد. شما باعث مرگ بیش از ۱۵۰۰ نفر، زخمی شدن هزاران نفر و دستگیر شدن بیش از هزاران نفر دیگر شدید. ایران یکی از بزرگترین ذخایر گاز و نفت در جهان است. در سال ۱۴۰۰ مردم با قطعی برق و خاموشیهای گسترده رو برو شدند و هنگامیکه اعتراض نمودند، با تهدید و پرونده سازی و سرکوب از جانب رژیم روبرو شدند. مسئله دیگر کمبود آب در خوزستان، اصفهان و شهرهای دیگر کشور بود زیرا کم آبی وسیله امرار معاش آنها یعنی کشاورزی و حتی زندگی آنها را به خطر انداخته بود.

کشاورزان و مردم اصفهان در ۱۷ آبان ۱۴۰۰ در بستر خشک زاینده رود تجمع و به قطع آب و خشک شدن زاینده رود اعتراض نمودند. رژیم فاسد اسلامی در جواب به خواست بر حق کشاورزان بوسیله لباس شخصیها و یگان ویژه با گاز اشک اورو گلوله های ساچمه‌ای و سلاحهای جنگی به شیوه وحشیانه معترضان را سرکوب نمودند. بر اثر یورش وحشیانه نیروهای مسلح حکومت تعدادی کشته و زخمی شده و چندین نفر نیز بینانی خود را از دست دادند.

روز پنجشنبه دوم دیماه ۱۴۰۰ دهها شهر ایران صحنه اعتراضات بر حق معلمان و فرهنگیان بودند. معلمان و فرهنگیان در ادامه اعتراضات اخیر



اعتراضات سراسری و خیابانی را گسترش بدهیم!؟

ابراهیم باتمانی

عقاید و تشکل وجود ندارد؟ چرا مکالمات شخصی و خصوصی فعالین سیاسی، نهادهای اجتماعی و افراد عادی جامعه از طرف نیروهای امنیتی کنترل می‌شود؟ چرا حضور یافتن در دنیای مجازی برای نوشتن و اظهار نظر کردن تحت پیگرد قرار می‌گیرد؟

چرا دانشجویان آزادی‌خواه و برابری‌طلب و افراد عادی به جرم اظهار نظر کردن از جانب شما دستگیر و روانه‌ی شکنجه‌گاه‌های مخوف سپاه پاسداران و نیروهای امنیتی می‌شوند؟ چرا زنان در ایران که نصف جامعه را تشکیل می‌دهند در این چهل‌وسه سال از طرف حکومت عدل الهی مورد بی‌حقوقی مطلق، بی‌حرمتی و آزارهای جنسی قرار گرفته‌اند؟

من از سران قاتل و دروغگو جمهوری اسلامی می‌پرسم: آیا شما اعتراضات سراسری آبان ماه ۱۳۹۸ را که مردمی و ضدحکومت بود را به یاد دارید؟ به یاد دارید که اعتراضات برحق مردم با افزایش ۲۰۰ درصدی قیمت بنزین آغاز شد؟ به یاد دارید که اعتراضات از محلات کارگری و فقیرنشین شهری شروع شد و به دستور فرمانده کل قوا علی خامنه‌ای، رئیس جمهور وقت حسن روحانی، رئیس وزارت کشور عبدالله رحمانی فضلی، جانشین فرمانده کل قوا، علی شمعهانی

کارگران زحمت‌کشان انسان‌های آزادی‌خواه و برابری‌طلب، زنان ستم‌دیده و انسان‌های شرافتمند و تشنه‌ی آزادی، چهل‌وسه سال از عمر ننگین و خفت‌بار رژیم جمهوری اسلامی می‌گذرد و همه‌ی ما در طول این چهل‌وسه سال حاکمیت نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی شاهد تلفات جانی، فقر، کمبود مالی، خستگی روحی، ناامنی و بی‌آیندگی مطلق که در حق آحاد جامعه شده است، بوده‌ایم.

این رژیم قاتل و فاسد در طول این چهار دهه حاکمیت عملاً نشان داده است که هیچ ربطی به جامعه مدرن و زندگی امروزی مردم ایران ندارد. این حکومت دزد و مستبد وصله‌ی ناجوری برای جامعه ایران بوده و هست. امروز دیگر برکسی پوشیده نیست که عامل این همه فشار مالی و فقر و فلاکت خود رژیم است. باید مردم از سران او باش اسلام بپرسند که چرا و به چه علت نود در صد جامعه ایران به خصوص کارگران و زحمتکشان و زنان ناراضی هستند؟

چرا این جلادان به نام قانون و دولت هر نوع اعتراضات خیابانی و تظاهرات جمعی معترضان و مطالبه‌گران را غیرقانونی اعلام و آنها را سرکوب می‌کنند؟ چرا آزادی بیان،

خود به طرح رتبه بندی که در مجلس ایران تصویب شده بود، اعتراض داشتند که آنهم با یورش ددمنشانه رژیم اسلامی روبرو گردید. سوال اساسی که امروز درمقابل تك تك مردم ایران به خصوص کارگران و رهبران عملی و کمونیستها، فرهنگیان، بازنشستگان، زنان و جوانان ازادیخواه و برابری طلب و انسانهای ازادیخواه و شرافتمند ان

جامعه قرار گرفته، این است که در مقابل این همه جنایات که به ناحق به ما تحمیل شده چه باید کرد؟ چه اقدامات عملی و فوری در دستور کار خود بگذاریم؟ آیا برای این همه خون و خونریزی، شکنجه و اعدام و اعتراض شواهد و مدرک کافی موجود نیست؟ آیا این همه توهین و زورگویی که از طرف اوباشان اسلام به نود درصد مردم ایران تحمیل شده، کافی نیست؟ تا کی میتوان در

ابراهیم باتمانی

دیر کمیته کردستان : صالح سرداری

saleh.sardari@gmail.com

روابط عمومی کمیته کردستان: ابوبکر شریف زاده

Abo_sh2008@hotmail.com

اکتبر نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست است که هر ماه یک بار منتشر می شود!

سردبیر نشریه همایون گدازگر

homayon_1954@yahoo.de

آزادی، برابری، حکومت کارگری